

فصلنامه رهیافت‌های نوین در مطالعات اسلامی

License Number: 85625 Article Cod: SH20RQ49046 ISSN-P: 2676-6442

مطالعه تطبیقی جایگاه فلسفه تعلیم و تربیت

در ایران و کشور انگلستان

(تاریخ دریافت ۱۴۰۳/۱۰/۱۵ تاریخ تصویب ۱۴۰۳/۱۱/۲۸)

معصومه سادات سعیدی^۱

استاد یار فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک

زهرا مقدسی

دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک

سارا حسین آبادی

دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک

چکیده

در جوامع امروزی که روبه‌روز شاهد پیچیدگی هر چه بیشتر و تخصصی شدن امور هستیم آموزش مهارت‌ها و تخصص‌های لازم برای بهتر زیستن و فعالیت در چنین عرصه‌های پویا و متحول، یکی از ارکان اصلی نظام اجتماعی به شمار می‌رود. نظام آموزشی هر کشوری از طریق فلسفه تربیتی آن کشور شکل می‌گیرد که صعود یا نزول آن در گرو تدوین فلسفه تعلیم و تربیت منسجم و مدون برای نظام آموزش و پرورش کشور است. پژوهش حاضر به تبیین جایگاه و نقش فلسفه تعلیم و تربیت در نظام‌های آموزشی کشور ایران و کشور انگلستان می‌پردازد. به موازات یافته‌های پژوهش؛ فلسفه تعلیم و تربیت در انگلستان به رشد و تکامل ذهنی و اجتماعی فرد و تکیه بر احیای فضیلت اخلاقی رواج دارد. در جمهوری اسلامی ایران رئالیسم اسلامی به عنوان فلسفه تربیتی غالب در نظر گرفته شده است و فلسفه‌های تعلیم و تربیت جدید چندان در نظام آموزشی کشور ایران در نظر گرفته نشده است.

واژگان کلیدی: نگرش فلسفی، پست مدرنیسم، رئالیسم اسلامی، فلسفه تربیتی

(۱) مقدمه

نگرش فلسفی به علم، هنر، دین، تاریخ و تعلیم و تربیت سبب پیدایش دانش‌های جدیدی تحت عنوان فلسفه علم، فلسفه دین و فلسفه تعلیم و تربیت شده است.^۱ [اتیلور و فرانسیس (۲۰۲۲)]. این نظریه که فلسفه و تعلیم و تربیت با یکدیگر ارتباط دارند، یقیناً نظریه‌ی جدیدی نیست، دست کم از زمان افلاطون، بسیاری از فیلسوفان برجسته به مسائل تربیتی پرداخته‌اند. از آنجا که فلسفه بطور سنتی، ماهیت واقعیت، معرفت و ارزش را تحت بررسی قرار داده است، پس با تعلیم و تربیت روابط آشکاری دارد.^۲ [کرومیداس، تی (۲۰۱۷)]. «فلسفه آموزش و پرورش یکی از دانش‌های میان رشته‌ای است که با دو قلمرو «فلسفه» و «آموزش و پرورش» در ارتباط است»^۳ [باروتسیس ۲۰۱۷]. در واقع ترکیبی است از دو رشته و از اقسام فلسفه‌های مضاف به حساب می‌آید که با روش عقلانی به تبیین اثبات مبادی تصویری و تصدیقی تعلیم و تربیت می‌پردازد.^۴ [هاگ، پی (۲۰۱۷)]. «فلسفه» و «تعلیم و تربیت» از همان ابتدا چالش برانگیز بوده است. مثلاً یکی از چالش‌های مطرح در مورد آن این است که فلسفه یک حوزه نظری و تئوری محض است و تعلیم و تربیت یک حوزه کاربردی و عملی می‌باشد که کنار هم قرار گرفتن این دو باید تبیین شود.^۵ [کوزمینوف، سورو کین، و فرومین، (۲۰۱۹)]. تعلیم و تربیت یا همان آموزش و پرورش از مسائل اساسی زندگی انسان است که باید هدف و مقصدی داشته باشد. جوامع انسانی به هنگام طرح و سامان بخشیدن سازمان آموزش و پرورش، مجموعه هدف‌هایی را معین می‌سازند که نشانه جهت‌یابی و اتخاذ موضع نظری از جانب یک جامعه در مورد مسائل اساسی معنوی و مادی، فرهنگی و تربیتی و اجتماعی و اقتصادی است. این جریان همانا پرداختن به فلسفه آموزش و پرورش است که در زمان ما در سرلوحه قوانین تربیتی کشورهای جهان به صورت سیاست فرهنگی و تربیتی درج شده است.^۶ [شوبر ۲۰۲۰].

۱-Fafunwa, & Aisiku,

۲-Kromydas,

۳-Baroutsis, & Lingard

۴- Haug,

۵-Kuzminov, Sorokin., & Froumin, I.

۶-Sjøberg,

تعلیم و تربیت حوزه وسیعی دارد و هر جامعه‌ای با توجه به ارزش‌ها و فرهنگ خود نظام تعلیم و- تربیت را پایه‌گذاری می‌کند. فلسفه تعلیم و تربیت بطور رسمی مربوط به قرن بیستم است اما استفاده از فلسفه در پاسخ‌گویی به مسائل ناشی از آموزش و پرورش مدرسه‌ای، موضوع جدیدی است^۱ [تجدور،، سروی، پرز-اسکودا، و جامبو ۲۰۲۰]. که وظیفه آن، تجزیه و تحلیل و توضیح هرگونه فعالیت تربیتی است که نظام اجتماعی معین انتخاب کرده است و بررسی انتقادی هدف‌ها و روش‌هایی است که در فعالیت‌هایی تربیتی مورد استفاده قرار می‌گیرند. پس فلسفه آموزش و پرورش فقط جنبه نظری ندارد که دور از عمل تربیت باشد و نقش موثری در کیفیت آن ایفا نکند بلکه ارزشها، هدف‌ها و روش‌های آموزش و پرورش را با توجه به فرهنگ و نیازمندی‌های فرد و جامعه مورد تحلیل قرار می‌دهد و براساس یافته‌های روانشناسی و آموزش و پرورش جدید، معلمان را در عمل تربیتی راهنمایی می‌کند^۲ [گریک، هادسون، اولین-شلر و استولار ۲۰۱۸]. آموزش و پرورش همواره بعنوان رکن اساسی جامعه و زمینه بوجود آوردن رشد و پیشرفت برای یک نظام و کشور تلقی می‌گردد. انسانها از دیرباز آموخته‌اند که با یکدیگر در تعامل بوده و ارتباط داشته باشند تا از این طریق بتوانند مشکلات زندگی خود را حل نمایند و از آنجا که علم پیشرفت نموده این ارتباط در ابعاد گوناگون گسترش یافته و جنبه بین‌المللی یافته است و داشتن ارتباط جهانی و از طرفی رسیدن به پیشرفت در مورد نظام آموزشی مستلزم مطالعه نظام آموزش و پرورش کشورهای دیگر و دستیابی به نوآوریها و روشهای آنها دارد ضرورت بررسی فلسفه تعلیم و تربیت کشورها را مشخص می‌گردد. اما با وجود مطالعات بسیاری که در زمینه فلسفه تعلیم و تربیت انجام گرفته است این بحث هنوز جای کار بسیار دارد خصوصاً وقتی که مقایسه فلسفه تعلیم و تربیت چند کشور در پژوهشها چندان مورد توجه قرار نگرفته، در این راستا چندین پژوهش انجام شده است که بطور اختصار ذکر می‌شود. مرجع^۳ [نیلهلم، ۲۰۲۱]، در مقاله‌ای با عنوان «فلسفه تعلیم و تربیت در جهان امروز»، فلسفه تعلیم و تربیت

۱-Tejedor, Cervi, Pérez-Escoda., & Jumbo

۲-Gericke., Hudson., Olin-Scheller, & Stolare

۳-Nilholm,

را از دو منظر: ۱- «دیدگاه‌های فیلسوفان در باب تعلیم و تربیت» ۲- «یک رشته تحصیلی» بررسی نموده است. مرجع^۱ [سوراید، هیلت، ریه ۲۰۱۹]، نیز در مقاله پژوهشی خود با عنوان «رویکردی نو به فلسفه تعلیم و تربیت» بیان نمود که: اگر تعلیم و تربیت ما بر فلسفه‌ای روشن و- رهایی‌بخش متکی باشد، کودکان و نوجوانان و جوانان ایران خواهند توانست در مورد دیدگاه- های متفاوت و در مورد معنای زندگی خود در محیط محلی و ملی و جهانی، به‌درستی بیندیشند و مهارت‌های خود را برای زندگی انسانی گسترش دهند. ^۲مرجع [سالبرگ، ۲۰۲۱] در مقاله علمی پژوهشی با عنوان «بررسی و نقد رویکردهای پژوهش تطبیقی در فلسفه تعلیم و تربیت»، مشکلات فلسفه تعلیم و تربیت تطبیقی و نگاه‌های مختلف در پژوهش‌های تطبیقی را مطرح نموده و سپس به دو رویکرد تاریخی و پدیدارشناختی در پژوهش‌های تطبیقی فلسفه تعلیم و تربیت اشاره داشته و رویکرد سومی را که ترکیبی از دو رویکرد پیشین است مورد تایید قرار داده است. مرجع [۱۲]، در مقاله‌ای پژوهشی تحت عنوان «تاریخ فلسفه تعلیم و تربیت در ایران» به این یافته رسیدند که با وجود انتشار آثار بسیار در زمینه‌ی فلسفه تعلیم و تربیت در ایران، فیلسوفان تربیتی کشورمان بیشتر به سودآوری فلسفه برای معلمان و دانش‌آموزان گرایش داشته‌اند. ولی باید فهم مبانی فلسفی تعلیم و تربیت و نه صرفاً بهبود عمل آموزش باید در کانون توجه متخصصان این رشته قرار گیرد. مرجع^۳ [شارما، آیلو پیس گرد و سابان ۲۰۱۸]، در مقاله‌ای با عنوان «فلسفه تعلیم و تربیت قدیم و معاصر» به بیان خلاصه‌ای از تاریخچه فلسفه تعلیم و تربیت و- رابطه بین فلسفه و تعلیم و تربیت می‌پردازد. بررسی پژوهش‌های ذکر شده نشان می‌دهد با وجود مطالعات گسترده‌ای که پیرامون فلسفه تعلیم و تربیت صورت گرفته، به آن در زمینه مقایسه کشورهای مختلف توجه چندانی نشده است و این در حالی است که ضرورت آن امروزه بخوبی آشکار گردیده است. «از طرفی فلسفه آموزش و پرورش به فرایند آموزش و پرورش در جامعه جهت می‌دهد و هرگونه فعالیت تربیتی در یک جامعه وقتی سود بخش و موثر خواهد بود که بر

۱-Hilt,., Riese& Søreide,

۲-Sahlberg,

۳-Sharma,., Aiello Pace,., Round, & Subban

فلسفه روشن مبتنی باشد»^۱ [استادمن، ون دن برگ، و گودهارت ۲۰۱۹]. خصوصاً در جوامع امروزی که روز به روز شاهد پیچیدگی هر چه بیشتر و تخصصی شدن امور هستیم آموزش مهارتها و تخصص های لازم برای بهتر زیستن و فعالیت در چنین عرصه های پویا و متحول، یکی از ارکان اصلی هر نظام اجتماعی به شمار می رود. شکل گیری عصر اطلاعات و توسعه روابط بین کشورها و ملت ها و پیدایش اشکال جدید آموزش نظیر آموزش مجازی و از راه دور، سیاستگذاری دقیق آموزشی و برنامه ریزی در سطوح و حوزه های مختلف نظام آموزشی را به یکی از سرنوشت سازترین حوزه ها مبدل نموده است^۲ [فلسا، برامول، فرناندز و واینستین ۲۰۱۸]. همه موارد ذکر شده بنحوی برگرفته از فلسفه تعلیم و تربیت است که، ضرورت و جایگاه مطالعه فلسفه تعلیم و تربیت کشورهای مختلف را برای ما مطرح می نماید. از آنجا که نظام آموزشی هر کشور برگرفته از فلسفه تعلیم و تربیت آن به عنوان عنصری جهت دهنده است لذا نظر می رسد در کنار مطالعه آموزش و پرورش کشورها، بررسی فلسفه تعلیم و تربیت آنها امری لازم و اجتناب ناپذیر است. بنابراین در این تحقیق سعی شده که ابعاد گوناگون نظام آموزشی و فلسفه تعلیم و تربیت **ایران و کشور انگلستان** مورد توجه قرار گیرد و از تجارب آموزشی آنها در بهینه سازی نظام آموزشی کشور استفاده شود ولی این مطلب هرگز به این مفهوم نبوده که باید در فلسفه تعلیم و تربیت به تقلید کورکورانه از کشورهای دیگر پردازیم بلکه برای بهره گیری مفید از آنها باید آن را با شرایط نظام آموزشی کشورمان منطبق سازیم و- سپس راهکارهای مناسب برای بهبود نظام آموزشی کشورمان را از دل آنها بیرون بکشیم. در این راستا این تحقیق در پی پاسخ به این سوالات است که جایگاه و نقش فلسفه تعلیم و تربیت در کشور ایران نسبت به کشورهای دیگر چگونه است و چگونه می توان با مطالعه فلسفه تعلیم و تربیت کشورهای دیگر، راهکارهایی جهت بهبود نظام آموزشی ایران در جهت مطلوب ارائه نمود؟

^۱-Stadermann,, van den Berg, & Goedhart

^۲-Flessa, Bramwell, Fernandez, & Weinstein

۲) روش پژوهش

۱-۲) نوع تحقیق

با توجه به اهداف تحقیق و سوالات تحقیق نیاز بود که از منابع موجود اعم از کتب، مقالات، پایان‌نامه‌ها و جستجوی اینترنتی استفاده گردد. لذا تحقیقی که انجام می‌گردد میدانی بوده. این تحقیق از نوع تحقیقات بنیادی و نظری است که از روش تطبیقی، تحلیلی برای تعیین جایگاه و نقش فلسفه تعلیم و تربیت کشورهای مختلف در نظام آموزشی استفاده شده است.

۲-۲) جمع آوری اطلاعات

در خصوص کشورهای منتخب (همه قاره‌ها) در این پژوهش شامل: انگلستان، آمریکا، آفریقای جنوبی و کشور ایران اطلاعاتی جمع آوری شده است. این کار با مطالعه و فیش برداری از متون مربوط به فلسفه تعلیم و تربیت که به فارسی ترجمه شده‌اند و نیز متون انگلیسی ترجمه شده از فلسفه تعلیم و تربیت کشورهای موردنظر در راستای پاسخگویی به سوالات تحقیق استفاده بهینه شود.

۳-۲) تجزیه و تحلیل سوالات

به منظور بررسی جایگاه و نقش فلسفه تعلیم و تربیت در نظام آموزشی آنها با استفاده از مکتوبات و اسناد موجود و سایتهای علمی پژوهشی که بسیار محدود می‌باشد صورت گرفته است که در این مرحله نوعی تحلیل اسنادی (document analysis) انجام گرفته است.

۴-۲) شیوه انجام تحقیق

- ۱) مراجعه به سایتهای معتبر و سایتهای آموزش و پرورش کشورهای مختلف در جهت آشنایی با فلسفه آموزش و پرورش کشورها
- ۲) انتخاب کشورهایی به عنوان نمونه پژوهش از بین کشورهای جهان، جهت بررسی فلسفه تعلیم و تربیت آنها
- ۳) پس از تعیین و محدود کردن موضوع، به بررسی مسئله و اهمیت و ضرورت پژوهش در باب آن پرداختیم

۴) مطالعه‌ی اسنادی و کتابخانه‌ای مبانی و چارچوب نظری فلسفه آموزش و پرورش و تعیین

اهداف پژوهش

۵) رسیدن به سوالهای تحقیق

۶) دسته بندی اطلاعات کسب شده

۷) ارائه نتایج تحقیق با توجه به مطالعه انجام شده

۸) بهره گیری از فلسفه تعلیم و تربیت کشورهای مختلف جهت ارائه راهکارهای متناسب با

سیاست و فرهنگ برای نظام آموزشی کشور

۵-۲) جامعه متنی

جامعه در این تحقیق شامل فلسفه تعلیم و تربیت کشورهای مختلف جهان (همه قاره‌ها) می- باشد که جهت بررسی آن کتب، آثار، پایان‌نامه‌های دانشجویی کارشناسی ارشد نگاشته شده و نیز متون انگلیسی و سایتهای اینترنتی که مربوط به موضوع بوده است را در بر می- گیرد.

۶-۲) نمونه تحقیق

نمونه انتخاب شده در این تحقیق شامل انتخاب فلسفه تعلیم و تربیت **ایران و کشور انگلستان** می‌باشد. در این تحقیق با توجه به کتابخانه‌ای بودن آن، محقق هر منبعی را که در رابطه با موضوع پژوهش یا در راستای آن به دست آورده مورد استفاده قرار داده است.

۷-۲) ابزار تحقیق

در این تحقیق ابزار اصلی شامل فیش برداری و جستجوی اینترنتی و ترجمه متون انگلیسی است که با توجه به اهداف تحقیق و موضوع تحقیق این مهم به انجام رسیده است.

۳) آنالیز و بحث

۳-۱) جایگاه و نقش فلسفه تعلیم و تربیت در نظام آموزش و پرورش کشور انگلستان

۳-۱-۱) فلسفه تعلیم و تربیت و نظام آموزشی

فلسفه و فلسفه تعلیم و تربیت معاصر در انگلستان جریانی عمیق دارد. فیلسوفان این کشور به اندیشه‌های هابرماس و هایدگر، ویتگنشتاین و دیویی، میل و کانت، هیوم و لاک بازگشتند که جهش آنها به گذشته، تنها به دلیل کنجکاوی نیست بلکه بدنبال تفسیر و روشن کردن تجربه-های معاصر هستند. کار فلسفه تعلیم و تربیت معاصر روشن کردن این روابط تاریخی است که از جمله آنها می‌توان به احیاء فضیلت اخلاقی در تعلیم و تربیت معاصر، که به واسطه مراجعه به فلسفه ارسطو می‌باشد، اشاره نمود [۱۲]. مباحث ملی و بین‌المللی در آموزش و پرورش شامل: انگلستان درباره اهداف تعلیم و تربیت و اصول ناظر بر تجربه آموزشی، حوزه برنامه ریزی-درسی، تربیت شهروندی، مدارس مذهبی، حقوق والدین و کودکان، تعلیم و تربیت چند نژادی- فرهنگی مختلف جامعه، نقش دانشگاه در تمرکز نظام آموزش عالی است. در سال ۲۰۰۷ جامعه فلسفه تعلیم و تربیت شروع به تجدید نظر کلی بر جایگاه فلسفه تعلیم و تربیت در انگلستان و جامعه بین‌المللی آموزشی کرد^۱ [شارما، آیلو و ساب بان ۲۰۱۸].

۳-۱-۲) اهداف آموزش و پرورش

هدف اصل تعلیم و تربیت در انگلستان پرورش شخصیت و منش می‌باشد. «سیریل ناروود» پرورش شخصیت و منش را عبارت از پنج اصل می‌داند که عبارت‌اند از:

۱) اصل مربوط به فرهنگ

۲) اصل مربوط به مذهب

۳) اصل مربوط به تربیت و پرورش اندام

۴) اصل مربوط به انضباط

۵) اصل مربوط به خدمت به اجتماع

^۱-Sharma, AielloPace, Round, & Subban

هدف مذکور از جمله هدفهایی است که در زمان پیدایش مدارس صرف و نحو برای مدارس بطور کلی تعیین گردید. از جمله سایر اهداف آموزشی وزارت آموزش و پرورش انگلستان می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱- حصول اطمینان از برخورداری کلیه جوانان رده های سنی ۶-۱۶ سال از بالاترین سطوح مهارت های پایه آموزشی اعم از خواندن و نوشتن

۲- تشویق جوانان به ادامه تحصیل و کسب مهارت های مختلف آموزشی و عملی

۳- امکان دسترسی همگانی به فرصت های آموزشی و حرفه ای از طریق اعمال سیاست های مبارزه با فقر، محرومیت های اجتماعی و کم سوادی در اقصی نقاط کشور

۴- تلاش در جهت پرورش استعدادها و مهارت های کلیه دانش آموزان اعم از بومی و- غیربومی

۵- تقویت و گسترش سیاست های مبارزه با ترک تحصیل

۶- معطوف نمودن توجه بر آموزش های ویژه دانش آموزان روستایی

۷- برگزاری دوره های آموزش پایه ویژه نوجوانان و بزرگسالان

۸- طرح آموزش و استخدام^۱ [استادمن ون دن برگ و گودهارت ۲۰۱۹].

۳-۱-۳) اهمیت سیاست های آموزش و پرورش

۱- بهبود استانداردهای آموزشی، ارزشیابی های تحصیلی، برگزاری امتحانات و نظارت بر

عملکرد مدارس کشور از طریق سیستم ملی آموزشی

۲- نشر اطلاعات در خصوص عملکرد مدارس و مراکز آموزشی کشور بطور جامع

۳- مشارکت هر چه بیشتر والدین در حوزه آموزش کودکان با اعطای قدرت اجرایی بیشتر به والدین

۴- ارائه خدمات آموزشی بهداشتی به دانش آموزان در مقاطع مختلف

۵- اجرای طرح جامع دولت با عنوان سوستارت (حمایت علمی، آموزشی و بهداشتی برای دانش آموزان کلیه مقاطع)

۶- ایجاد فرصت‌های برابر آموزشی، پرورشی استعدادها و مهارت‌ها یکایک افراد طبق نیاز جامعه به منظور بهره‌مند شدن از یک زندگی پربار و مشارکت در جامعه قرن بیست و یکم

۷- پرورش همه جانبه کودکان در ابعاد، ارزش‌های روحی و اخلاقی، دانش، مهارت و- خلاقیت، عزت نفس، همکاری و تلاش‌های گروهی، آگاهی‌های فرهنگی، شناخت و- احترام به جامعه، احترام و ارزش به کار بدنی، ارزش قائل شدن برای یادگیری، حمایت از افراد در کسب مهارت‌های ارتباطی کتبی و شفاهی و توانایی‌های محاسباتی اجتماعی^۱ [فلسا، برامول، فرناندز و واینستین، ۲۰۱۸].

۲-۳) جایگاه و نقش تربیت فلسفه تعلیم و تربیت در نظام آموزش و پرورش کشور ایران

۱-۲-۳) اهداف آموزش و پرورش در جمهوری اسلامی ایران

«هدف مهم تعلیم و تربیت در ایران باستان این بود که فرزندان خود را عضو مفید جامعه بار آورند و به اخلاق نیک بیارایند که این هدف در همه کتابهای درسی زرتشت در نظر گرفته شده بود».

آموزش و پرورش از دیدگاه اسلام عبارت است از فراهم کردن زمینه رشد و تکامل همه جانبه انسان و هدایت او به سوی کمال با برنامه‌ای منظم و سنجیده. دکتر شریعتمداری هدفهای آموزش و پرورش در ایران را به شرح ذیل تقسیم می‌کند.

هدف آموزش و پرورش در جمهوری اسلامی ایران پرورش بنده صالح است و برای رسیدن به این آرمان باید هدفهای زیر مورد توجه قرار گیرد [مطلق، ایمان (۱۳۹۰)].

۱- هدفهای ایمانی- اخلاقی: شامل شناخت خدا و کلیه تکالیفی که در این رابطه به عهده انسان است. هدفهای اخلاقی شامل شناخت بعد الهی و کرامت انسان، تزکیه و رشد معنوی و کسب فضایل است.

۲- هدفهای فرهنگی: شناخت و پذیرش فرهنگ اسلامی و تلاش در حفظ نشر آن و پرورش نیروی تفکر، اشاعه علم و آشنایی با سازمان و معارف قرآنی

^۱-Flessa, Bramwell, Fernandez, & Weinstein,

۳- هدفهای خانوادگی: توجه به ضرورت تشکیل خانواده و قداست آن به خاطر نقش ارزشمند تربیتی والدین در پرورش فرزندان مؤمن

۴- هدفهای اجتماعی: رعایت حقوق همه انسانها و مراعات انصاف در برخورد با آن و ایجاد و روابط مهرانگیز با دیگران و احترام به دانشمندان و تقویت روحیه خدمت به مسلمانان و- روحیه تفاهم و تعاون

۵- هدفهای سیاسی: تجزیه و تحلیل و شناخت مسائل سیاسی، پذیرش اصل رهبری، - جلوگیری از استضعاف، مبارزه با استکبار، پرورش احساس مسئولیتهای اجتماعی و سیاسی، احترام به قانون و توجه به اصل پیوستگی کامل دین و سیاست، در زمینه خارجی نیز اصل استقلال در سیاست خارجی و ارتباط با دیگر جوامع انسانی براساس عدالت و انصاف با اهل کتاب و پیروان ادیان [صفایی محمود، سعید و محبت، هدیه (۱۳۹۱)].

۶- هدفهای دفاعی نظامی

۷- هدفهای اقتصادی

که هر کدام از این اهداف به زمینه خاص خود نیاز دارد [سنجری، هادی؛ مرعشی، سید منصور؛ سنجری، محمد (۱۳۸۹)].

۳-۲-۲) اهمیت سیاستهای آموزش و پرورش

۱- بازنگری و اصلاح ساختار برنامه ریزی و برنامه های آموزشی و روزآمد نمودن آنها در جهت پاسخگویی به نیازهای بومی و رهیافت های جدید علمی

۲- تقویت و توسعه، دوره های تحصیلات تکمیلی و ارتقا کیفیت علمی آن در جهت تأمین اعضای هیأت علمی مراکز علمی و پژوهشی، رفع نیازهای تخصصی بخش های مختلف و کاهش اعزام دانشجو به خارج از کشور

۳- راه اندازی و تقویت دوره های و مراکز جدید آموزشی و علوم پایه و پیشرفته

۴- سازماندهی و نهادینه نمودن سیاست آموزش استعداد های خلاق در مرکز آموزش عالی

۵- فراهم آوردن فرصت و افزایش دسترسی افراد با استعداد به مراکز دانشگاهی و حمایت از اقشار محروم جهت دستیابی به امکانات دانشگاهی

- ۶- تقویت ارتباط، همبستگی و تطابق میان نظام آموزش عالی، توسعه فناوری و بازار کار
- ۷- گسترش تقویت آموزشهای علمی-کاربردی و فنی-حرفه‌ای باهماهنگی دستگاه‌های تولیدی و خدماتی [سنجری، هادی؛ مرعشی، سید منصور؛ سنجری، محمد (۱۳۸۹)].

۳-۲-۳) مقاطع آموزشی:

مقاطع آموزشی در ایران شامل موارد زیر می‌باشد:

در آبان ماه ۱۲۹۰ هجری شمسی، قانون اساسی فرهنگ مصوب شد، به عنوان اولین دوره تحصیلی، دوره ابتدایی و مدت آن شش سال ذکر شده است. که تعلیمات ابتدایی، عمومی، اجباری و رایگان اعلام شده است. کودکانی که روز اول مهرماه هر سال شش سال تمام داشتند می‌توانستند در پایه اول ثبت نام کنند. طبق این قانون اساسی، دوره‌های تحصیلی ایران شامل ۶ سال دوره ابتدایی و ۳ سال دوره اول و ۳ سال دوم متوسطه بوده است. در سال ۱۳۳۹ ساختار آموزشی کشور تغییر کرد و شامل ۵ سال دوره ابتدایی، ۳ سال دوره راهنمایی و ۴ سال دوره متوسطه شد. و دوره‌های تحصیلی در سال ۱۳۷۰ شامل دوره‌های زیر شد:

۱. یک سال، دوره آمادگی: در سال‌های اخیر پیش دبستانی به مقطع ابتدایی افزوده شده است. بنابر اهداف خاص این دوره، در واحدهای پیش دبستانی کودکان پنج ساله به مدت یک سال آموزش‌های لازم را دیده و برای ورود به دوره ابتدایی آماده می‌شوند که به دوره آمادگی نیز می‌گویند.

۲ شش سال. دوره ابتدایی: ثبت نام در دوره ابتدایی، کودکانی که روز اول مهرماه هر سال شش سال تمام دارند، به مدت شش سال این دوره را می‌گذرانند.

۳ سه سال، دوره راهنمایی: در سال ۱۳۳۹، پس از تغییر مدت دوره آموزش ابتدایی، دوره‌ای به نام راهنمایی به مقاطع تحصیلی آموزش همگانی افزوده شد. این دوره از سال تحصیلی ۳۹-۴۰ در ایران آغاز گردید که مدت تحصیل در آن سه سال است. قبول شدگان دوره پنج ساله ابتدایی در دوره راهنمایی ثبت نام می‌کنند.

۴. سه سال، دوره متوسطه: پیش از ۱۳۷۰، فارغ التحصیلان دوره راهنمایی تحصیلی وارد دوره متوسطه می‌شدند. مدت دوره متوسطه چهار سال و شامل دو گرایش نظری و فنی و حرفه‌ای بود (دوره متوسطه نظام قدیم). از سال تحصیلی ۷۲-۱۳۷۱ دوره متوسطه به صورت نظام ترمی - واحدی به صورت آزمایشی در چند واحد دبیرستانی آغاز گردید.

۵. دوره پیش دانشگاهی (یک سال)

از سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ مقاطع تحصیلی به این صورت درآمده است:

۱. دوره آمادگی (یک سال)

۲. دوره ابتدایی اول (سه سال)

۳. دوره ابتدایی دوم (سه سال)

۴. دوره اول متوسطه (سه سال)

۵. دوره دوم متوسطه (سه سال)

بعد از دوران مدرسه دانشگاهها و موسسات آموزش عالی: آموزش عالی در ایران با هدفهای اساسی چون حفظ و گسترش میراث فرهنگی، تربیت نیروی انسانی ماهر، انجام پژوهش‌های علمی و تربیت معلم در موسسات آموزشی و پژوهشی گوناگون انجام می‌شود. مهم‌ترین آنها عبارتند از: دانشگاهها، مؤسسه‌های آموزش عالی، دانشکده‌ها، مدرسه عالی، آموزشکده‌ها، مراکز آموزش عالی و مراکز پژوهشی [شریفانی، محمد؛ قمی، محمد (۱۳۸۹)].

۴) نتیجه گیری

با عنایت به مباحث ذکر شده در این پژوهش، درباره فلسفه تعلیم و تربیت کشور ایران و انگلستان، بحث بسیار وسیع و گسترده است از این نظر که فلسفه تعلیم و تربیت این کشورها براساس ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تغییرات بسیاری را مشاهده نموده است. این تغییرات در طول تاریخ فلسفه تعلیم و تربیت کشور ایران و انگلستان مذکور به قدری مهم و تأثیرگذار بوده که ما با بررسی هر یک از آنها شاهد پدیدار شدن

مکاتب مختلف فلسفی و به تبع آن پیشرفت یا عقب ماندگی در نظام آموزشی آنها می-باشیم.

تغییرات مشاهده شده در فلسفه تعلیم و تربیت کشورهای ایران و انگلستان در اکثر موارد با توجه به عوامل درونی (تغییرات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی) و عوامل بیرونی که پیش روی نظام سیاسی حکومت‌ها بوده، شکل گرفته است که متناسب با هر یک تغییرات ذکر شده در دوره‌های مختلف، مکاتب فلسفی متفاوتی در نظام آموزشی آنها پدیدار شده است.

در کشور انگلستان از قرن ۱۸ فلسفه تعلیم و تربیت تحلیلی بر پایه منطق و زبان با بهره‌گیری از اندیشه‌های ویتگنشتاین رواج یافت که رشد و تکامل ذهنی و اجتماعی فرد هدف تعلیم و- تربیت قرار گرفته بود و به وحدت کامل میان مواد درسی معتقد بود و روش حل مسئله براساس تجربه شخصی برای یادگیری را پیشنهاد می‌کرد. که این فلسفه هنوز هم در فلسفه تعلیم و تربیت معاصر انگلستان با تکیه بر احیای فضیلت اخلاقی به عنوان فلسفه غالب رواج دارد و جایگاه خود را در نظام آموزش این کشور حفظ نموده است هر چند که اخیراً مکتب پست مدرنیسم نیز در این کشور رونق یافته است.

احیای فضیلت اخلاقی در آموزش و پرورش کشور انگلستان به این معنی است که رشته‌ای از نظریه اخلاقی که با ویژگی و تمایلات انسانی ارتباط دارد؛ ویژگی‌های رفتاری که بایستی پرورش یابد، به طور کلی تحت عنوان فضیلت اخلاقی در خدمت حوزه‌های خاص تلاش انسان است. این مفهوم به فلسفه اخلاقی ارسطو ارتباط دارد و ضرورت توجه فلسفه تعلیم و تربیت معاصر به فیلسوفان تربیتی گذشته را در عصر کنونی نمایانگر می‌سازد به طوری که الهام گرفتن از ارسطو، تنها به بهره‌گیری از ارزش‌شناسی (اخلاق) او نیست بلکه به معرفت‌شناسی او نیز توجه ویژه شده است. بر طبق فلسفه تحلیلی رایج در انگلستان، علوم تجربی و ریاضی در نظام آموزشی این کشور اهمیت فراوان دارد.

کشور ایران دارای فرهنگ و تمدن غنی بوده است و دارای پیشینه آموزشی مطلوب در گذشته می‌باشد. امروزه در نظام آموزشی خود موفقیت چشمگیری ندارد که دلیل آن را می

توان در نداشتن فلسفه تربیتی مدون و منسجم برای آموزش و پرورش کشور دانست. این در حالی است که متخصصین فلسفه تعلیم و تربیت در کشور ما همواره در حال تلاش برای اصلاح نظام آموزشی می‌باشند. برطبق حکومت ما که جمهوری اسلامی است، فلسفه تربیتی رئالیسم اسلامی در ایران به عنوان فلسفه تربیتی غالب در نظر گرفته شده است. با عنایت به مباحث ذکر شده، نتایج این پژوهش دلالت دارد بر اینکه فلسفه تعلیم و تربیت هر کشور در شکل‌گیری نظام آموزشی آن جایگاه و نقش اساسی دارد که البته این فلسفه تربیتی نیز باید با شرایط هر کشور (سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اجتماعی) هماهنگ باشد. نتیجه‌گیری حاصل این پژوهش را می‌توان به موارد کلی زیر تقسیم نمود:

۱- اولین مورد تفاوت که در مورد فلسفه تعلیم و تربیت کشور ایران و انگلستان مورد مقایسه صورت گرفته، این است که این کشور از نظر نظام سیاسی با کشور ایران متفاوت بوده و در نتیجه در جهت‌گیری سیاست‌های آموزشی این کشور نیز با سیاست‌های آموزشی جمهوری اسلام ایران تفاوت دارند. اگر به این تفاوت‌ها با اتخاذ روش‌ها و سیاست‌های آموزشی مناسب توجه شود باعث می‌شود که در عمل اقتباس فرهنگی از کشور بیگانه صورت نگیرد. بلکه پس از الگوگیری از روش‌ها و متدهایی از آنها که با شرایط نظام جامعه کنونی است الگویی برای نظام آموزشی کشور طراحی نماییم که روند توسعه را با سرعت بیشتر طی نماییم و به نظام آموزشی ایده آل براساس فلسفه تعلیم و تربیت مدون و منسجم دست یابیم.

اهداف کلی مطرح شده در کشور انگلستان با کشور ایران یک تفاوت اساسی دارد و آن نیز این که اهداف این کشوره علی‌رغم تفاوت ظاهری که دارند همه افق دید روشن تری نسبت به هدف مطرح شده در نظام آموزش و پرورش ایران دارند یعنی بطور دقیق‌تر بیان شده و به دلیل ابهام کمتر در آنها امکان برنامه ریزی در جهت رسیدن به اهداف سهل‌تر بنظر می‌رسد.

۱- کشورهای انگلستان از وضعیت اقتصادی خوبی برخوردار هستند و جزء کشورهای توسعه یافته و صنعتی به حساب می‌آیند و از آنجا که وضعیت اقتصادی و نظام آموزشی رابطه‌ای

دوسویه و متقابل دارند، از این رو نظام آموزش و پرورش که از فلسفه تربیتی آنها ناشی می-شود توانسته به جایگاه بالای برسد درحالی که که کشور ایران علی رغم داشتن سابقه‌ای درخشان در آموزش و پرورش درخشان نتوانستند به جایگاه بالایی در نظام آموزشی خویش برسند و از سوی دیگر همچنان در وضعیت کشورهای در حال توسعه باقی مانده است.

۲- کشور انگلستان دارای شیوه‌ی مدیریتی غیر متمرکز یا نیمه متمرکز استفاده می کنند و کشور ایران داری تمرکز در نظام آموزشی است. در واقع بسیاری از اختیارات آموزشی در کشور انگلستان به مناطق محلی سپرده می شود بنابراین در فلسفه آموزش و پرورش آنها تناسب آموزش با موقعیت و شرایط زندگی در مناطق مختلف لحاظ گردیده است که موجب می-شود آموزش مناسب و مفید به هر فرد یا قشری برحسب نیاز داده شود. در حالی که فلسفه تعلیم و تربیت نظام آموزش و پرورش ایران معتقد به متمرکز بودن در امر تصمیمات و اتخاذ سیاست‌های آموزشی می‌باشد. بنابراین آموزش‌های یکسانی در مناطق مختلف کشور عرضه می گردد که ممکن است برای بعضی از مناطق کارایی نداشته، لذا ممکن است یکی از مشکلات مطرح در فلسفه تعلیم و تربیت ایران وجود همین امر باشد.

۳- کشور انگلستان به دلیل اهمیت دادن به معلم و در نظر گرفتن پرستیژ بالا برای معلم مشکلی از نظر جذب معلم و تربیت آنها ندارند و لذا دامنه گزینش معلمان در این کشورها وسیع است. اما کشور ایران از این نظر موفقیت چندانی کسب ننموده است به همین دلیل با مشکل کمبود معلم مواجه می‌باشند.

۴- در مورد مقاطع آموزشی باید گفت که تقریباً مقاطع آموزشی کشورهای انگلستان، با نظام آموزش و پرورش ایران شباهت دارد و تنها تفاوتی از نظر تعداد سالهای تحصیلی و سن شروع مدرسه و قرار داشتن دوره راهنمایی در نظام آموزش و پرورش ایران به جای دوره اول متوسطه مشاهده می گردد که البته همین تفاوت‌های کوچک می‌تواند تأثیر بسزایی در نظام آموزشی این کشورها داشته باشد.

منابع و مأخذ

- [۱].Fafunwa, A. B., & Aisiku, J. U. (Eds.). (۲۰۲۲). Education in Africa: A comparative survey. Taylor & Francis.
- [۲].Kromydas, T. (۲۰۱۷). Rethinking higher education and its relationship with social inequalities: past knowledge, present state and future potential. Palgrave communications, ۳(۱), ۱-۱۲.
- [۳].Baroutsis, A., & Lingard, B. (۲۰۱۷). Counting and comparing school performance: An analysis of media coverage of PISA in Australia, ۲۰۰۰-۲۰۱۴. Journal of Education Policy, ۳۲(۴), ۴۳۲-۴۴۹.
- [۴].Haug, P. (۲۰۱۷). Understanding inclusive education: ideals and reality. Scandinavian journal of disability research, ۱۹(۳), ۲۰۶-۲۱۷.
- [۵].Kuzminov, Y., Sorokin, P., & Froumin, I. (۲۰۱۹). Generic and specific skills as components of human capital: New challenges for education theory and practice. ФОРСАЙТ, ۱۳(۲ (eng)), ۱۹-۴۱.
- [۶].Sjøberg, S. (۲۰۲۰). The PISA-syndrome-How the OECD has hijacked the way we perceive pupils, schools and education. Confero: Essays on Education, Philosophy and Politics, ۷(۱), ۳۴-۸۸.
- [۷].Tejedor, S., Cervi, L., Pérez-Escoda, A., & Jumbo, F. T. (۲۰۲۰). Digital literacy and higher education during COVID-۱۹ lockdown: Spain, Italy, and Ecuador. Publications, ۸(۴), ۴۸.
- [۸].Gericke, N., Hudson, B., Olin-Scheller, C., & Stolare, M. (۲۰۱۸). Powerful knowledge, transformations and the need for empirical studies across school subjects. London Review of Education, ۱۶(۳), ۴۲۸-۴۴۴.
- [۹].Nilholm, C. (۲۰۲۱). Research about inclusive education in ۲۰۲۰- How can we improve our theories in order to change

- practice?. *Journal of Special Needs Education*, ۳۶(۳), ۳۵۸-۳۷۰.
- [۱۰]. Hilt, L. T., Riese, H., & Søreide, G. E. (۲۰۱۹). Narrow identity resources for future students: The ۲۱st century skills movement encounters the Norwegian education policy context. *Journal of Curriculum Studies*, ۵۱(۳), ۳۸۴-۴۰۲.
- [۱۱]. Sahlberg, P. (۲۰۲۱). Finnish lessons ۳.۰: What can the world learn from educational in Finland?. Teachers College Press.
- [۱۲]. اطاعت، جواد؛ رضائی، مسعود (۱۳۸۹) نظریه رئالیسم و ضرورت بازنگری در مفاهیم آن، فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، تابستان ۹۰، صص ۱۴۸-۱۲۶
- [۱۳]. Sharma, U., Aiello, P., Pace, E. M., Round, P., & Subban, P. (۲۰۱۸). In-service teachers' attitudes, concerns, efficacy and intentions to teach in inclusive classrooms: An international comparison of Australian and Italian teachers. *European journal of special needs education*, ۳۳(۳), ۴۳۷-۴۴۶.
- [۱۴]. Stadermann, H. K. E., van den Berg, E., & Goedhart, M. J. (۲۰۱۹). Analysis of secondary school quantum physics curricula of ۱۵ different countries: Different perspectives on a challenging topic. *Review Physics Education Research*, ۱۵(۱), ۰۱۰۱۳۰.
- [۱۵]. Flessa, J., Bramwell, D., Fernandez, M., & Weinstein, J. (۲۰۱۸). School leadership in Latin America ۲۰۰۰-۲۰۱۶. *Educational Management Administration & Leadership*, ۴۶(۲), ۱۸۲-۲۰۶.
- [۱۶]. Tejedor, S., Cervi, L., Pérez-Escoda, A., Tusa, F., & Parola, A. (۲۰۲۱). Higher education response in the time of coronavirus: perceptions of teachers and students, and open innovation. *Journal of Open Innovation: Technology, Market, and Complexity*, ۷(۱), ۴۳.

- [۱۷]. Tian, L., Yu, T., & Huebner, E. S. (۲۰۱۷). Achievement goal orientations and adolescents' subjective well-being in school: The mediating roles of academic social comparison directions. *Frontiers in psychology*, ۸, ۳۷.
- [۱۸]. Batista, L., Gong, Y., Pereira, S., Jia, F., & Bittar, A. (۲۰۱۹). Circular supply chains in emerging economies—a comparative study of packaging recovery ecosystems in China and. *International Journal of Production*, ۵۶(۲۳), ۷۲۴۸-۷۲۶۸.
- [۱۹]. Chowdhury, M. (۲۰۱۸). Emphasizing morals, values, ethics, and character education in science education and science teaching. *MOJES: Malaysian Online Journal of Educational Sciences*, ۴(۲), ۱-۱۶.
- [۲۰]. Tien, N. H., Anh, D. T., Van Luong, M., Ngoc, N. M., & Le Doan Minh Duc, N. D. (۲۰۲۱). Sustainable Development of Higher Education: A Case of Business Universities in Vietnam. *Journal of hunan university natural sciences*, ۴۶(۱۲).
- [۲۱]. Semken, S., Ward, E. G., Moosavi, S., & Chinn, P. W. (۲۰۱۷). Place-based education in geoscience: Theory, research, practice,. *Journal of geoscience education*, ۶۵(۴), ۵۴۲-۵۶۲.
- [۲۲]. Kumar Basak, S., Wotto, M., & Belanger, P. (۲۰۱۸). E-learning, M-learning and D-learning: Conceptual definition and comparative analysis. *E-learning and Media*, ۱۵(۴), ۱۹۱-۲۱۶.
- [۲۳]. Irmayani, H., Wardiah, D., & Kristiawan, M. (۲۰۱۸). The strategy of SD Pusri in improving educational quality. *International Journal of Scientific & Technology Research*, ۶(۷), ۱۱۳-۱۲۱.
- [۲۴]. Schiff, D. (۲۰۲۱). Out of the laboratory and into the classroom: the future of artificial intelligence in education. *AI &*

- society, ۳۹(۱), ۳۳۱-۳۴۸.
- [۲۵]. Schulz, W., Fraillon, J., Losito, B., Agrusti, G., Ainley, J., Damiani, V., & Friedman, T. (۲۰۲۳). *IEA International Civic and Citizenship Education Study ۲۰۲۲ Assessment Framework* (p. ۱۳۳). Springer Nature.
- [۲۶]. رضایی، علی‌رضا (۱۳۸۸)، درآمدی بر نظریه پردازی‌های اثبات‌گرایانه و پسا اثبات‌گرایانه در سیاست و روابط بین الملل، راهبرد، شماره ۱۸، صص ۱۵-۱۹
- [۲۷]. سنجری، هادی؛ مرعشی، سید منصور؛ سنجری، محمد (۱۳۸۹) بررسی جایگاه و نقش معلم در تعلیم و تربیت از منظر مکاتب و آرای تربیتی، انجمن فلسفه و تعلیم و تربیت ایران، مجموعه مقالات برگزیده نخستین همایش انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران
- [۲۸]. شریفانی، محمد؛ قمی، محمد (۱۳۸۹)، مقایسه تطبیقی مدار حرکت تربیتی انسان در اسلام با اگزیستانسیالیسم، فصلنامه علمی - پژوهشی اندیشه نوین دین، ش ۲۳، زمستان ۸۹، صص ۶۴-۳۹
- [۲۹]. صفایی محمود، سعید و محبت، هدیه (۱۳۹۱)، هرمنوتیک فلسفی و برنامه درسی، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ش ۴۱، سال یازدهم، بهار ۱۳۹۱، صص ۱۱۳-۱۱۶
- [۳۰]. علوی، سیدمحمدرضا (۱۳۸۹)، فرهنگ تفضیلی مفاهیم فلسفی و فلسفی - تربیتی (فارسی - انگلیسی)، کرمان: دانشگاه شهید باهنر کرمان
- [۳۱]. مطلق، ایمان (۱۳۹۰)، نگاهی به تاملات دکارت، ماهنامه فلسفه نو، پیش شماره، اردیبهشت ۱۳۹۰، صص: ۱۴-۱۷
- [۳۲]. میرزا محمدی، محمدحسن (۱۳۹۰)، بررسی و نقد رویکردهای پژوهش تطبیقی در فلسفه تعلیم و تربیت، مقالات برگزیده دومین همایش انجمن فلسفه تعلیم و تربیت، بهار ۱۳۹۰